

ویرایش و پیشگفتار از فلورین شولر

دیالکتیک سکولارسازی در بارهٔ عقل و دین

گفتگو، کتابخانهٔ آلفرد یوزف راتزینگر
(پاپ بندیکت شانزدهم) و یورگن هابرماس

سجاد دهقان زاده



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: راتزینگر، یوزف- هابرماس، یورگن
 عنوان و نام پدیدآور: دیالکتیک سکولارسازی درباره عقل و دین: گفت‌وگوی کاردینال یوزف راتزینگر (پاپ بندیکت شانزدهم) و یورگن هابرماس / مولف: راتزینگر، یوزف- هابرماس، یورگن / ترجمه سجاد دهقان‌زاده
 مشخصات نشر: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۲۱۵-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
 یادداشت: عنوان اصلی: Dialektik der Sakularisierung, c2006
 یادداشت: کتاب حاضر از ترجمه انگلیسی تحت عنوان: «The dialectics of secularization: on religion» به فارسی برگردانده شده است.
 موضوع: کاتولیک (مذهب) - عقاید؛ مسیحیت و حقوق؛ دنیوی گرای - جنبه‌های سیاسی
 ضوع: دموکراسی - جنبه‌های مذهبی - کاتولیک (مذهب)؛ آزادیخواهی - جنبه‌های مذهبی
 موضوع: دموکراسی - جنبه‌های مذهبی
 شناسه اثر: بندیکت شانزدهم، پاپ، ۱۹۲۷ م. Benedict XVI, Pope
 نشر اف: شر، فلوریان، ۱۹۶۴ م. Schuller, Florian
 شناسه داده: دهقان‌زاده سجاد، مترجم.
 رده‌بندی کتاب: BX ۱۷۹۳ / ۱۳۹۴
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۱۱۹۳۸



■ دیالکتیک سکولارسازی درباره عقل و دین

یوزف راتزینگر، یورگن هابرماس
 ترجمه سجاد دهقان‌زاده
 آماده‌سازی و تولید:
 بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
 طراحی گرافیک: پرویز بیانی
 نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۵، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۸۰۰۰ تومان

هرگونه بهره‌برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه دوم، تلفن، ۰۵۶۶۴۷۷۴

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

پیش‌گفتار.....	۹
بخش اول: از یورگن هابرماس.....	۲۱
شالوده‌های پیشاسیاسی دولت قانونی مردم‌سالار.....	۲۳
توجیه دولت قانونی سکولار بر مبنای منابع عقل عملی.....	۲۶
چگونه همبستگی شهروندان دولت باز تولید می‌شود؟.....	۳۱
آن‌گاه که پیوند اجتماعی گسسته می‌شود.....	۳۵
ضمیمه توضیحی.....	۳۹
سکولار سازی به مثابه فرآیند یادگیری دوجانبه و تکمیلی.....	۴۲
شهروندان دیندار و غیر دیندار چگونه باید بایکدیگر رفتار کنند؟.....	۴۶
بخش دوم: از کاردینال یوزف راتزینگر.....	۴۹

۸ ■ دیالکتیک سکولارسازی

آنچه جهان را گرد هم نگه می‌دارد؛ شالوده‌های اخلاقی پیشاسیاسی یک دولت	
لیبرال	۵۱
قدرت و قانون	۵۴
اشکال جدید قدرت و پرسش‌های امروزی دربارهٔ چگونگی مدیریت آن‌ها	۵۷
پیش‌فرض‌های قانون: قانون - طبیعت - عقل	۶۱
چشم‌انداز بین فرهنگی و پیامدهای آن	۶۵
نتایج	۶۸
دربارهٔ رفان کتاب	۷۱

پیش‌گفتار

یورگن هابرماس در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ در هفتاد و پنج سالگی‌اش را جشن گرفت، و یوزف راتزینگر در ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ به عنوان پاپ برگزیده شد. این تواریخ یقیناً مناسبت‌هایی کاملاً متفاوت از یکدیگر بودند؛ با وجود این، بیش‌تر کسانی که در روزنامه‌های پیش‌رو آلمانی زبان، از هابرماس و راتزینگر تمجید می‌کردند، در هر دو تاریخ مذکور - «شیعته‌ها» منظرهای مختلف - گفت‌وگوی بین این دو روشنفکر «مقارن هم» را در ذهن داشتند که به دعوت فرهنگستان کاتولیک باواریا^۱ در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۴ برگزار شد، یادآوری کردند. مبالغه نیست اگر بگوییم که این رویارویی بین یکی از برجسته‌ترین فلاسفه معاصر و رئیس کنگره رومی آموزه ایمان در آن زمان،

1. Antipodes

2. Bavaria

توجه جهانی را به خود جلب کرد. آن زمان، ما در این جا در مونیخ، از مناطقی به دوری ایران و مراکش^۱ تحقیق و پرسش‌هایی را دریافت کردیم. پس از چند ماه، مقالات متعددی که بیانگر روز تولد هابرماس بودند، بار دیگر بر نتایج این گفت‌وگو تأمل کردند و حتی در حال حاضر نیز این روند ادعایی- و در واقع تاحدی بهت‌آور- هنوز از سوی موافقان و مخالفان هابرماس فراموش نشده است. هم‌چنین پس از آیین انتخاب پاپ، وقتی ضرورت احیای مسیحیت که نمودار الهیاتی و روشنفکرانه بندیکت شانزدهم بیان شد، اذعان عمومی تقریباً به‌طور خودکار به سمت بحث شالوده‌های جامعه سکولار غرب برگشت که این کار دینال در تأملاتش درباره ساختار گفتمان جهانی بین ادیان مطرح کرده بود.

عوامل و انگیزه‌ها

آن بعد از ظهر به یادماندنی^۱ چگونه اتفاق افتاد؟ خاستگاه آن، عقاید و برداشت‌هایی خارج از حوزهٔ زبانی آلمانی بود.

در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۵ «نامیرندگان» فرهنگستان فرانسه، اسقف اعظم پاریس، کاردینال ژان ماری لوستیژه^۲، را به سلسله مراتب خود^۳ پذیرفتند. این سراسقف در سلسلهٔ جانشین‌های کاردینال آلبرت دکورتی^۴، مسند چهارم را در آن، که ده سال پیش از آن، کاردینال یوزف راتزینگر به‌عنوان «ضوء» فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی^۵ در سازمان فرهنگستان فرانسه^۶ خدایا شده بود.

در سال‌های اخیر، در این باب بحث شدید، باز و متعهدانه‌ای بین نمایندگان روشنفکری دینی (*credenti*)، مردم غیردیندار (*laici*) در جریان بوده است که از خلاصه‌های رایج این گروه دارای دیدگاه‌های مختلف

۱. عصر ۱۹ ژانویه ۲۰۰۴ که در آن راتزینگر و هابرماس به گفت‌وگو نشستند. - م.

۲. *Immortals*: اعضای فرهنگستان فرانسه به ایمنورها (نامیرندگان) مشهورند؛ این فرهنگستان عالی‌ترین شورای فرانسوی است که پیرامین مسائل مربوط به زبان و فرهنگ فرانسوی اظهار نظر می‌کند و رسماً در سال ۱۷۹۵ توسط کاردینال ریشلیو (*Richelieu*) تأسیس شده است. - م.

۳. *Jean Marie Cardinal Lustinger*: کاردینال فرانسوی کلیسای کاتولیک که از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ سراسقف پاریس بوده و در ۱۹۸۳ از سوی پاپ ژان پل دوم به مقام کاردینالی منصوب شد. - م.

۴. به‌عنوان یکی از اعضای فرهنگستان یا شورای فرانسه پذیرفته شد. - م.
۵. *Decourtray Cardinal Albert*: (۱۹۲۳-۱۹۹۴)، کاردینال فرانسوی کلیسای کاتولیک و اسقف اعظم شهر لیون فرانسه.

۶. *Academie des sciences morales et politiques at institute de*

france: این آکادمی یکی از پنج فرهنگستان فرانسه است.

استفاده می‌کرد. یکی از جالب‌ترین اسناد ناشی از این بحث، شمارهٔ مشهور ۲/۲۰۰۰ گاهنامهٔ سیاسی جناح چپی و روشنفکر میکرومگا^۱ است. فرضیهٔ زیر در پیش‌گفتار این شماره از گاهنامه صورت‌بندی شده است: «فلسفه به‌جای شناخت، بیشتر با دین ارتباط دارد و در پی ورود به یک گفتمان با دین است». در این پیش‌گفتار، فرضیهٔ مذکور براساس متون فلسفی مکاتب گوناگونی که همهٔ آن‌ها از ویژگی عقلانی بالایی برخوردار بودند، تأیید شد و با استناداتی از سه متأله همراه شده‌اند. اولین مقاله که به شکلی جدید از جریان ایدئالیزم معنوی آرمان‌گرایی^۲ آلمانی پرده برمی‌دارد، اثر برونو فورته^۳ (که به‌نازکی به‌عنوان سراسقف شهر چیتیوستی^۴ منصوب شده) است که خود من و هم‌راهِ بن‌ترین متأله معاصر ایتالیایی می‌دانم. دومین مقاله به قلم انزو بیانکی^۵، با نام «هم‌نگاه باوس»^۶ است. برجسته‌ترین مؤلف، کاردینال یوزف راتزینگر است که در این گفتار این گاهنامه وی را با عنوان «جوهر اصلی راست‌گیشی کاتولیک»^۷ توصیف می‌کند.

۱. Micro-Mega: مجله خبری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در رم ایتالیا

دو ماه یک‌بار منتشر می‌شود. - م.

۲. Idealism، ایدئالیسم عنوانی برای مجموعه‌ای از دیدگاه‌های فلسفی است که بنابر آن

ایده‌ها، نفس‌الامر و معقولات بالذات‌اند و مقدم بر اشیای خارجی. ایده‌ها هم به لحاظ معرفت‌شناختی و هم وجودشناختی به مشهودات اولویت دارند و امکان بودن اشیای را فراهم می‌کنند. جهان را باید با آن‌ها و بر مبنای آن‌ها تبیین کرد. - م.

۳. Bruno Forte، متأله ایتالیایی متولد ۱۹۴۹، اسقف اعظم شهر چیتیوستی. - م.

۴. Cheiti-Vasti. شهری است در ۲۰۰ کیلومتری شمال شرق رم و واقع در ایتالیای

جنوبی. - م.

5. Enzu Bianchi

6. Bose

7. "The Quintessence of Catholic orthodoxy"

ویراستار میکرومگا نامه‌ای را از راتزینگر نقل می‌کند که طی آن به نظر این کاردینال، «جالب» می‌رسد که مقاله او در گاهنامه‌ای منتشر خواهد شد که عمدتاً مقالات غیردینداران را چاپ می‌کند - و به تازگی بخشنامه پابی درباره فلسفه (موسوم به عقل و دین)^۱ را تحت انتقادهای شدید قرار داده است. در این صورت، چرا کاردینال راتزینگر مشتاق همکاری با میکرومگا است؟ او قصد دارد «بحث درباره حقیقت دین مسیحی را بازگیزاند». این، دقیقاً موضوع رایج مجادله در ایتالیا در نقطه حلول هزاره حاضر بود.

اگر ما این نسخه از گاهنامه میکرومگا را با روزنامه‌های آلمانی‌زبان دارای موضوع مشابه، مثل شماره ۱۴۹ گاهنامه کورسبوک^۲ (سپتامبر ۲۰۰۲) مقایسه کنیم، بلافاصله متوجه تفاوت‌های عمده میان این دو فضای روشنفکرانه می‌شویم. در این شماره از گاهنامه کورسبوک در ذیل عنوان «خدا مرده است و زندگی می‌کند» دیدگاه ادیان مختلف - مثل اسلام و هندوئیسم در ایالات متحده، در «رائیل یا در آلمان - در یک سطح عقلانی بسیار عالی توصیف می‌شود» این سبب اطلاعاتی، توسط روزنامه‌نگارانی^۳ کارآزموده ارائه می‌شود؛ این افراد، تا حدی، اساس تجارت شخصی ترسیم وقایع می‌کنند و با وجود این، دیدگاهشان بسیار دور از واقعیت است. بخش‌های مروری^۴ در روزنامه‌های عادی برایمانی^۵ حقیقتاً مسائل اصلی فلسفی، اخلاقی و دینی را به چالش می‌کشند؛ اما ما

1. Retio et fides= Reson and Faith

2. Kursbuch

3. Journalists

4. Review

5. Interregional broadsheet newspapers

در آلمان ظاهراً فاقد یک گفت‌وگوی فلسفی عادی بر مبنای دیدگاه‌های مختلفی که به یکدیگر گرایش دارند - آن‌طور که در ایتالیا هست - یا فاقد ساختارهایی هستیم که کثرت عقاید را می‌پذیرند، تا وارد یک گفت‌وگوی سازمان‌یافته اجتماعی اما کاملاً آزاد با سطح عالی تفکر - آن‌گونه که در فرانسه هست - شویم.

در نهایت انگیزه دیگری نیز منجر به گفتمان ۱۹ ژانویه ۲۰۰۴ شد. هفت روز پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، یورگن هابرماس هنگام دریافت جایزه صلح کتاب‌فروشان آلمانی^۱ سخنرانی تشکرآمیز خود را در دانشگاه فرانکفورت ارائه کرد. این خطابه غوغای زیادی به پا کرد. هابرماس فیلسوف - که در این معنا پیرو ماکس وبر می‌داند که به زعم خود نسبت به قلمرو دین، غیر حساس و بی‌تفاوت^۲ است - با این درخواست موجب شگفتی مردم بسیاری شد که جامعه سکولار باید فهم جدیدی از اعتقادهای دینی به دست آورد؛ یعنی بفهمد که اعتقادهای دینی چیزی غیر و بیش از بقایای گذشته‌ای هستند که ما به پایان آن رسیده‌ایم. اما در نقطه مقابل، این اعتقادهای دینی، یک «چالش‌ناختی»^۳ علیه فلسفه ایجاد می‌کنند. برخی این سخنرانی را با عنوان «گ - در - یک در» برای کلیساهای توصیف کرده‌اند. با وجود این، ظاهراً کسی تا به حال با گذر از این در خاص ندارد.

۱. جایزه صلح بین‌المللی که از سال ۱۹۵۰ سالانه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آلمان

اعدا می‌شود. - م

2. Tone deaf

3. Cognitive challenge